

چشم انداز جهانی عرضه و تقاضای نفت و گاز و جایگاه ژئواستراتژیک ایران

سید جلال دهقانی فیروزآبادی*

اکبر صادقی^۲

چکیده

انرژی به عنوان یک متغیر ژئواستراتژیک، جایگاه ویژه‌ای را در روابط قدرت در نظام جهانی معاصر باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتبی قدرت جهان، اهمیتی استراتژیک پیدا کرده است. از این روی، هر یک از بازیگران نظام جهانی به دنبال تعریفی معقول از جایگاه انرژی خود در جهان می‌باشند. لذا ایران در پرتو توانمندی‌های چشمگیرش در حوزه انرژی، یک کانون تولید و مصرف و توزیع انرژی به شمار می‌آید. در این میان ایران با واقع شدن در مرکز بیضی استراتژیک انرژی جهان و با در دست داشتن دومین منابع نفت خام و گاز طبیعی جهان، از جایگاه مهمی در زمینه تحولات انرژی جهانی برخوردار است. این پژوهش بر آن است که با روشی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر داده‌های آمارهای منتشر شده معتبر جهان به پرسش اصلی مقاله بر این موضوع تاکید دارد که: «در چشم انداز جهانی عرضه و تقاضای نفت و گاز، جایگاه انرژی ایران بر مبنای آمارهای ارائه شده از سوی مراکز مختلف چگونه ارزیابی می‌شود؟» فرضیه مقاله معطوف به گزاره امری است که بر مبنای آمار ارائه شده از سوی مراکز مختلف، چشم انداز جهانی عرضه و تقاضای نفت و گاز را بر اساس تشدید رقابت بر سر منابع انرژی و جایگاه ایران را نیز علیرغم تحریم‌های اعمال شده از سوی کشورهای غربی، همچون گذشته حائز اهمیت بسزایی در میزان ذخایر، تولید و انتقال انرژی جهان قلمداد می‌نماید.

واژگان کلیدی: انرژی، ژئوانرژی و ژئواستراتژیک، جهان، ایران

۲۴۵

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

اول، شماره پیاپی

بیست و هفتم

بهار ۱۳۹۷

۱. استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) *jdeghani20@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی بیست و هفتم، صص ۲۸۰-۲۴۵

مقدمه

یکی از عوامل کلیدی در پیشرفت و رشد اقتصادی، انرژی و امنیت انرژی است که از اساسی‌ترین مسائل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نیز محسوب می‌شود در این راستا نفت و گاز جایگاه ویژه‌ای دارد. بطوری که شکل دهنده بسیاری از تعاملات بین‌المللی در گذشته و حال بوده است به نقشی که در آینده نیز تداوم خواهد یافت.

ایران نیز به عنوان یکی از بازیگران عمده در اقتصاد و سیاست انرژی متأثر از این نقش و جایگاه نفت در عرصه بین‌الملل خواهد بود (روحانی حسن، نفت و سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۹، صفحه ۳۲)

از آنجایی که انرژی یکی از متغیرهای اقتصاد نوین جهانی است، اهتمام ویژه‌ای برای دستیابی به آن وجود دارد. چنانکه با پایان جنگ سرد، تحولات مهمی در ترتیب و اولویت ابزارهای نفوذ بین‌الملل پدید آمد و مسائل مهم اقتصادی و اقتصاد سیاسی اهمیت درجه اول یافت. امروزه عنصر نظامی قدرت تأثیر کمتری در روابط میان کشورهای بزرگ دارد و واژه قدرت بیشتر ناظر بر توان اقتصادی ملت‌ها خواهد بود. از این رهگذر، موضوع انرژی و تسلط بر آن از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های توان بالای اقتصادی کشورها محسوب می‌گردد، چه اینکه در فضای جهانی شدن و پیوستگی منافع، مقاصد، علایق و تضادهای بازیگران روابط بین‌الملل، انرژی به ابزاری نوین جهت تأمین منافع و امنیت ملی، رفاه عمومی و توسعه اقتصادی بدل شده است. خاورمیانه نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های انرژی جهان، محور معادلات ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک از زمان شکل‌گیری دیپلماسی نفت در ساختار اقتصادی جهان بویژه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. فلذا بر این اساس، می‌بایستی از خاورمیانه بطور اعم و خلیج فارس به عنوان اخص به عنوان هارتلند نوینی یاد کنیم که نظام سامانه نفتی دنیا بر اساس آن برنامه ریزی می‌شود که بسیاری از صف بندی‌ها و رفتارهای کشورهای منطقه ای و فرامنطقه‌ای را تشریح می‌نماید. در این میان، کشور ایران، با قرار گرفتن در هارتلند انرژی از اهمیت بسزایی برخوردار است. ایران، در بعد ژئواکونومیک، به عنوان دومین دارنده نفت و گاز جهان، ظرفیت تبدیل شدن به یکی از

اصلی‌ترین شرکای انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ نفت جهان را دارد. در بعد ژئواستراتژیک نیز ایران در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند در امنیت انرژی منطقه ای و جهانی نقشی محوری ایفا نماید. لذا ایران با برخورداری از این موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان و تجربه طولانی در حوزه انرژی و موقعیت جغرافیایی مناسب، در خلیج فارس و دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، در صورت پیگیری الگویی از دیپلماسی انرژی فعال بویژه با نظر به بازارهای بالقوه آینده در کشورهای در حال توسعه، از امکان ایجاد پیوند میان منابع انرژی خود با طیف متنوعی از مصرف‌کنندگان آسیایی، اروپایی و آفریقایی برخوردارست. بنابراین این کشور با توجه به ظرفیت‌های فراوان در حوزه انرژی به عنوان یک کانون تولید، مصرف و توزیع انرژی مطرح است؛ به گونه‌ای که گره خوردگی امنیت انرژی جهانی به ایران، همه ضرورت‌ها را برای بررسی هر چه صحیح‌تر جایگاه ژئوانرژی ایران در چشم انداز عرضه و تقاضای نفت و گاز جهان را فراهم می‌سازد. مسئله‌ای که می‌تواند پشتوانه ای محکم برای ارتقای نقش ایران به عنوان یک قدرت نوظهور در مدیریت جهانی تلقی شود. لذا نظر به اهمیت موضوع نگارندگان بر آن شدند تا به ارزیابی هرچه دقیق‌تر جایگاه ژئوانرژی و ژئوپلیتیک راهبردی ایران بر مبنای جدیدترین آمارهای منتشرشده از سوی پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی همچون آژانس بین‌المللی انرژی، اداره اطلاعات انرژی آمریکا و BP بپردازند. بدین ترتیب، در این مقاله در یک چارچوب منطقی تلاش خواهیم داشت ابتدا به بررسی تحولات انرژی جهان و خاورمیانه پرداخته و سپس به بررسی جایگاه ژئوانرژی و ژئواستراتژیک ایران بر مبنای آمار و ارقام جدید ارائه شده از سوی مراکز مختلف خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری: وابستگی متقابل

نظریه وابستگی متقابل در دهه ۷۰ توسط نای مطرح شد. نظرات آن‌ها در واقع نقدی بر نظریات رئالیستی بود. وابستگی متقابل به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن بین کشورها یا بازیگران داخلی کشورهای مختلف تاثیرگذاری متقابل وجود دارد. نای و کوهن نظریه

خود را با طرح مفهوم وابستگی متقابل^۱ تکامل بخشیدند. با توجه به این مورد حوزه تعامل بین جوامع گسترش یافته و شامل روابط بین‌المللی دولتی و فرادولتی و فراملی می‌شود، بدین معنی که در این جوامع علاوه بر روابط سیاسی میان دولت‌ها، شکل‌های دیگری ارتباطات مانند ارتباطات فراملی میان شرکت‌های بازرگانی وجود دارد. (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۷۰) در ضمن در حوزه روابط بین دولتی سلسله مراتبی وجود ندارد، یعنی امنیت نظامی درجه اهمیت خود را از دست داده و مسائل اقتصادی دارای اولویت شده است. (بزرگی، ۱۳۸۷: ۱۵۰) پس از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون اکثریت منازعات، میان کشورهای جهان سوم اتفاق افتاده است و این دلیلی است برای روی آوردن اقتصادهای بزرگ به همکاری و همگرایی بیشتر برای جلوگیری از جنگ‌هایی که به فرسایش منابع اقتصادی می‌انجامد.

نظریه پردازان وابستگی متقابل پیچیده عنوان می‌کنند که با افزایش مبادلات اقتصادی و تجاری احتمال وقوع ناامنی و جنگ کاهش می‌یابد و این شرایط باعث برقراری مناسبات صلح‌آمیز میان ملت‌ها می‌شود. البته ممکن است سطح و حجم مبادلات اقتصادی بین کشورها افزایش نیابد؛ اما وابستگی متقابل و همگرایی آن‌ها بیشتر شود. آنچه باعث این پدیده می‌شود، پدیده حساسیت است. حساسیت بدین معنی است که تحولات و روابط اقتصادی چند بازیگر بین‌المللی اهمیت و تأثیر فوق‌العاده‌ای برای دیگری دارد. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۶۸ - ۶۲) این مسئله باعث ایجاد درجه‌ای از همبستگی میان بازیگران اقتصادی می‌شود، زیرا آسیب‌پذیری آن‌ها از هم بالا رفته و افزایش میزان همبستگی می‌تواند به افزایش منافع آن‌ها منجر شود. (Keohane, 1984, 366-368)

همکاری اقتصادی دولت‌ها، براساس دستاوردهای مطلق با وجود امکان انتفاع طرف‌ها موجب انتفاع کلیه طرف‌های همکاری می‌شود. اگر اقتصاد کشورها به چنین بنیان‌هایی متکی باشد، تضمین موثرتری برای صلح وجود دارد. در این دیدگاه جنگ و افزایش هزینه‌های نظامی مانعی در برابر جاه‌طلبی تلقی می‌شود و حکومت باید حتی الامکان از ورود به چنین اوضاعی خودداری کند. (قنبرلو، ۱۳۸۵: ۴)

1. Complex Interdependence
2. Sensitivity

از این منظر، جهانی شدن پدیده ای است که پس از پایان جنگ سرد در ابعاد مختلف از جمله بعد اقتصادی رخ داد. چنین شرایطی با توجه به چارچوب تئوریک وابستگی متقابل پیچیده، بیانگر درهم تنیدگی منافع کشورها در سطوح ملی، فراملی و فراملی است که بازیگران دولتی و غیردولتی را شامل می‌شود و نتیجه آن تعریف منافع ملی کشورها در امتداد و در تعامل و همبستگی منافع سایر کشورهاست. لذا نظریه وابستگی متقابل را در زمره نظریه‌هایی در روابط بین‌الملل می‌دانند که در راستای پیوند دو تحلیل خرد و کلان در مطالعه روابط بین‌الملل مطرح شده است. کوهن و نای می‌کشند «سیاست جهانی را با طرح توضیحاتی در سطح نظام بین‌الملل» درک کنند اما در عین حال به روندهای داخلی نیز توجه دارند. مفاهیم بنیادین نظریه وابستگی متقابل را می‌توان شامل وابستگی متقابل، قدرت، حساسیت، آسیب‌پذیری، هزینه، تقارن و عدم تقارن دانست. وابستگی متقابل در ساده‌ترین مفهوم وابستگی دو جانبه است، قدرت ناشی از وابستگی متقابل نامتقارن است. حساسیت ما ضمن درجه واکنش در یک چهارچوب سیاستگذاری است. آسیب‌پذیری «قابلیت یک بازیگر در تحمل هزینه‌های ناشی از وقایع خارجی، حتی پس از تغییر سیاست‌ها» است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۹-۴۸) در زمره نظریات لیبرالیسم وابستگی متقابل به این معنا است که، هر چه جامعه جهانی به سمت جلو حرکت می‌کند جوامع به همدیگر احیای نیاز بیشتری می‌کنند. امروزه نیازهای بشری به قدری زیاد شده است و به اندازه‌ای این روابط پیچیده و با هم مرتبط شده است که جوزف نای نوع جدید را وابستگی متقابل پیچیده نام گذاری کرده‌اند، که در این جوامع علاوه بر روابط سیاسی میان دولت‌ها، شکل‌های دیگر ارتباطات مانند ارتباطات فراملی میان شرکت‌های بازرگانی وجود دارد (جکسون، ۱۳۸۵: ۷۰).

بدلیل وابستگی متقابل میان دولت‌ها، امنیت دولت‌ها با یکدیگر مرتبط است و بروز هر گونه ناامنی، بحران، در هر حوزه ای، بر دیگر نقاط مؤثر می‌باشد، لذا با توجه با گسترش روابط تجاری، حضور بازیگران غیر دولتی در عرصه جهانی و تعمیق این وابستگی متقابل، هزینه تهدید و نقض امنیت برای یک بازیگر بیشتر از منفعت آن خواهد بود در یک فرایند تدریجی همه دولت‌ها به دنبال حفظ امنیت جهانی ولو به خاطر حفظ

منافع خود خواهند بود. کوهن و نای با طرح اثر متقابل میان بازیگران دایره سطح بازیگران را افزایش داده و معتقدند که علاوه بر بازیگران ملی، بازیگران فراملی و فرو ملی نیز شامل بازیگران می‌شوند و وابستگی متقابل به دو سطح متقارن و غیر متقارن تقسیم می‌گردد: این تقسیم بندی علاوه بر وابستگی سخت افزاری و نظامی به همدیگر وابستگی اقتصادی و تکنولوژیک را اضافه می‌کنند و معتقدند کشورها نسبت به هم آسیب پذیر هستند ولی آسیب‌پذیری یکی نسبت به دیگری بیشتر است (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۵).

در مورد اثرات وابستگی، نای معتقد است که وابستگی متقابل مستلزم حساسیت کوتاه مدت و آسیب‌پذیری بلندمدت است. حساسیت به مقدار و تأثیرات وابستگی اشاره می‌کند، اما سطح بالای حساسیت با سطح بالایی از آسیب‌پذیری یکسان نیست و آسیب‌پذیری به هزینه‌های بالای نسبی ناشی از تغییر ساختار در درون یک سیستم وابستگی متقابل اشاره می‌کند. تقارن به موقعیت‌های نسبتاً متوازن در قیاس با وابستگی نامتوازن اشاره دارد، وابستگی کمتر می‌تواند یک منشأ قدرت باشد، در یک رابطه وابستگی متقابل هنگامی که یکی از طرف‌ها وابستگی کمتری (وابستگی نامتقارن) نسبت به دیگری داشته باشد، دارای قدرت بیشتری در آن رابطه است. (نای، ۱۳۹۰: ۱۰۰) اما به هر تقدیر وابستگی کمتر نیز منجر به مصونیت از آسیب‌پذیری نمی‌شود، اقتصاد بهم پیوسته در دنیا از هر نوع تشتت و بحرانی تأثیر می‌پذیرد چنانچه قدرت‌های بزرگ اقتصادی نیز نمی‌توانند چنین ادعایی کنند.

با توجه به مطالب ارائه شده، در صورت تعامل و در هم تنیدگی بیشتر اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی، منافع و امنیت ملی دیگر کشورها در راستای منافع و امنیت ملی ایران قرار می‌گیرد و این مسئله باعث کاهش هزینه تحقق اقتصاد مقاومتی در داخل و همچنین باعث کاهش تهدید نقاط آسیب‌پذیر و استراتژیک کشور می‌شود.

وضعیت ذخایر، تولید و عرضه نفت و گاز در جهان

چنانکه می‌دانیم، انرژی در زندگی بشر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به گونه‌ای که ادامه زندگی بدون انرژی بسیار مشکل است. صنعت، کشاورزی، خدمات، گرمایش و

سرمایش، تولید غذا، محیط خانوادگی، حمل و نقل، نظامی‌گری، فعالیت‌های پزشکی و درمانی، پژوهش‌های علمی و غیر آن جملگی به انرژی وابسته هستند. از این رو منابع تأمین انرژی، مسیرهای انتقال انرژی، بازارهای مصرف، تجارت انرژی، فن آوری انرژی و نظایر آن اعتبار ویژه‌ای پیدا می‌کنند. مسئله دسترسی و تأمین انرژی برای نیازمندان آن و نظایر آن و نیز امنیت مسیرهای انتقال انرژی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فوق العاده اهمیت دارند. به لحاظ ارتباط تنگاتنگ، انرژی با زندگی روزمره مردم و جوامع و نیز حیات کشورها و دولت‌ها است که دولت‌های متقاضی و دولت‌های تولید کننده را دائماً نگران کرده است و از همین روست که انرژی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی نقش تعیین کننده‌ای پیدا نموده است و الگوهایی از رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، همگرایی و واگرایی را در عرصه بین‌الملل و روابط بین کشورها و دولت‌ها شکل داده است. اهمیت انرژی بدان حد است که دولت‌های مصرف کننده، مکان‌های تولید انرژی و دولت‌های تولید کننده، مکان‌های مصرف انرژی و هر دو مسیرهای انتقال و تکنولوژی‌های مربوط به انرژی را جزو اهداف ملی و امنیت ملی خود محسوب می‌کنند. انرژی‌های فسیلی بویژه نفت و گاز از آن حیث که در بیان انرژی جهان سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند و سیاست بین‌المللی را نیز تحت الشعاع قرار داده‌اند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). چرا که امروزه انرژی پیش نیاز رشد اقتصادی ملت‌ها محسوب می‌شود. بدین ترتیب آنچه که در این مقام بسیار حائز اهمیت است، افزایش میزان مصرف انرژی از سوی کشورهای مختلف جهان می‌باشد. که این امر خود ارتباط معناداری با رشد و توسعه اقتصادی این کشورها دارد. به عبارت دیگر، اصول بلندمدت انرژی نشان از ارتباط مستقیم بین رشد اقتصادی و انرژی دارد. در قرن بیستم برای مثال تولید ناخالص داخلی جهان ۲۰ برابر افزایش یافت، جمعیت سه برابر شد و مصرف انرژی نیز ۴۰ برابر گردید. رشد اقتصادی و رشد جمعیت باعث افزایش تقاضای انرژی شد. از سوی دیگر به نحو فزاینده‌ای انرژی بعدی سیاسی و استراتژیک یافته است. به گونه‌ای که ریمون، تحلیلگر آمریکایی گفته است، «نفت بیش از هر ماده دیگری بین‌الملل مسائل سیاسی و استراتژیک عجین شده و محال است این دو را از یکدیگر جدا نمود.»

بنابراین بزرگ‌ترین کانون‌های مصرف انرژی جهان، مناطق توسعه یافته با میزان رشد بالای اقتصادی‌اند؛ از این رو صنعت با مواد هیدروکربنی (نفت و گاز) پیوند ناگسسته دارد. این پیوند ناگسسته بی انرژی و صنعت اساس قدرت در سده بیست و یکم است؛ لذا در مناسبات قدرت در روابط بین‌الملل، چیرگی بر کانون‌های تولید مواد هیدروکربنی و مسیر انتقال آن‌ها بویژه گاز طبیعی دغدغه بسیاری از کنشگرهای واحدهای سیاسی است (کاویانی راد، ۱۳۸۵: ۲۹۹).

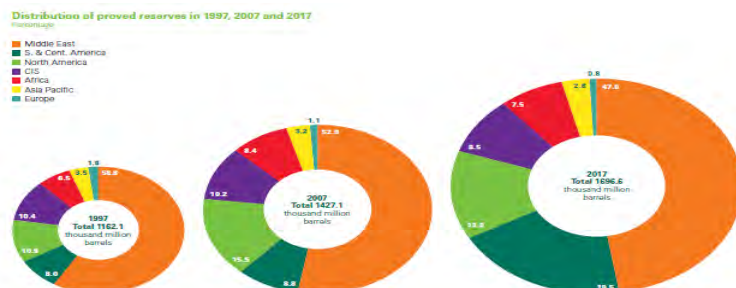
در ادامه جدول جدیدترین آمارهای منتشر شده از میزان ذخایر نفت و گاز در جهان آمده است.

جدول شماره ۱. ذخایر اثبات شده نفت و گاز در جهان (هزار میلیون بشکه، میلیارد متر مکعب)

(BP, 2018)

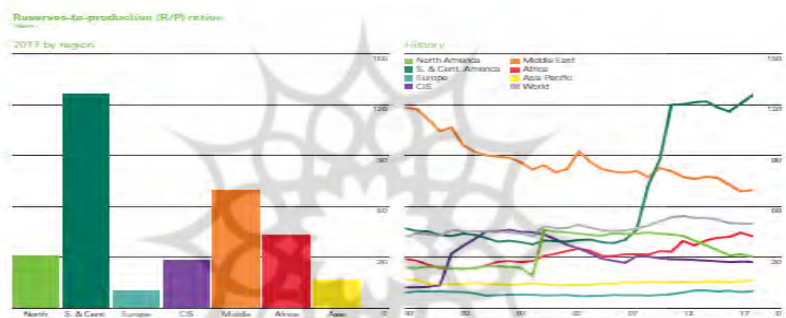
کشورها	۱۹۹۷	۲۰۰۷	۲۰۱۶	۲۰۱۷	درصد از جهان	
امریکای شمالی	نفت	۱۲۷,۱	۲۲۱,۵	۲۲۷,۷	۲۲۶,۱	۱۳,۳
	گاز	۸,۰	۸,۴	۱۰,۹	۱۰,۸	۵,۶
امریکای مرکزی و جنوبی	نفت	۹۳,۴	۱۲۵,۳	۳۲۸,۹	۳۳۰,۱	۱۹,۵
	گاز	۶,۶	۷,۸	۸,۳	۸,۲	۴,۲
اروپا	نفت	۲۱,۳	۱۵,۱	۱۳,۱	۱۳,۴	۰,۸
	گاز	۴,۹	۵,۰	۳,۰	۳,۰	۱,۵
آسیای میانه و قفقاز	نفت	۱۲۱,۴	۱۴۵,۳	۱۴۴,۹	۱۴۴,۹	۸,۵
	گاز	۴۰,۳	۴۱,۲	۵۹,۰	۵۹,۲	۳۰,۶
خاورمیانه	نفت	۶۸۳,۲	۷۵۴,۹	۸۰۷,۷	۸۰۷,۷	۴۷,۶
	گاز	۴۸,۶	۷۳,۶	۷۸,۸	۷۹,۱	۴۰,۹
آفریقا	نفت	۷۵,۳	۱۱۹,۷	۱۲۶,۵	۱۲۶,۵	۷,۵
	گاز	۱۰,۲	۱۴,۰	۱۳,۸	۱۳,۸	۷,۱
آسیا پاسفیک	نفت	۴۰,۳	۴۵,۳	۴۸,۳	۴۸,۰	۲,۸
	گاز	۹,۴	۱۳,۶	۱۹,۲	۱۹,۳	۱۰,۰
کل جهان	نفت	۱۱۶۲,۱	۱۴۲۷,۱	۱۶۹۷,۱	۱۶۹۶,۶	۱۰۰
	گاز	۱۲۸,۱	۱۶۳,۵	۱۹۳,۱	۱۹۳,۵	۱۰۰

نمودار ۱. نمودار مقایسه‌ای ذخایر نفت در جهان در سالهای ۱۹۹۷، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۷ (BP, 2017)



۲۵۳

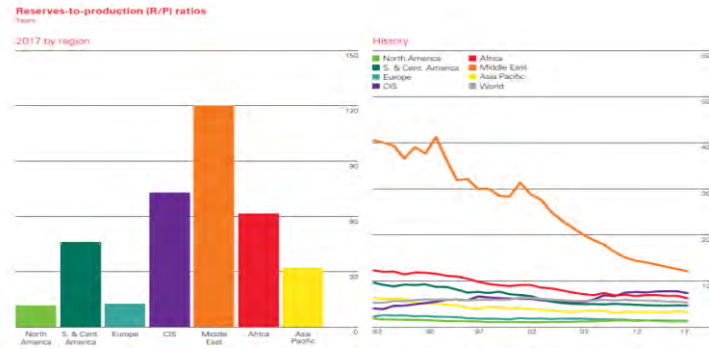
نمودار ۲. نمودار نسبت ذخایر به تولید نفت در جهان (BP, 2018)



BP statistical review of world energy 2018

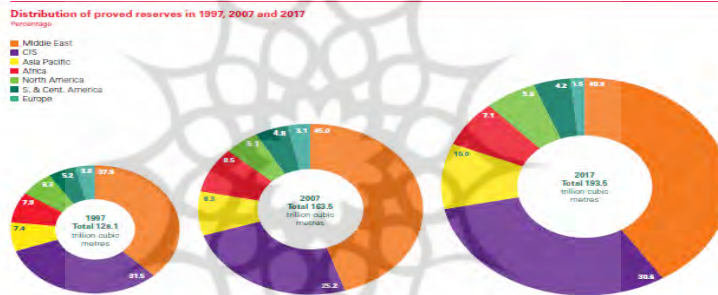
چنانکه در جدول فوق قابل مشاهده است در پایان سال ۲۰۱۷ خاورمیانه با ذخایری بیش از ۴۷ درصد ذخایر اثبات شده نفت در جهان رتبه نخست را داشته و آمریکای جنوبی و مرکزی در رتبه دوم و آمریکای شمالی در رتبه سوم جهان قرار داشته‌اند. لذا خاورمیانه هم اکنون نیز بعنوان مهم‌ترین منبع ذخایر اثبات شده نفت در جهان به شمار می‌رود.

نمودار ۳. نمودار نسبت ذخایر به تولید گاز در جهان (BP,2018)



۲۵۴

نمودار ۴. نمودار مقایسه ای ذخایر گاز در جهان در سالهای ۱۹۹۷، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۷ (BP,2017)



BP statistical review of world energy 2018

در رابطه با منبع گاز نیز خاورمیانه با داشتن بیش از ۴۰ درصد ذخایر گاز دنیا در رتبه نخست جای می گیرد و پس از آن، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با بیش از ۳۰ درصد ذخایر گاز دنیا در رتبه دوم جای گرفته است. لازم به ذکر است بیشترین میزان ذخایر گاز در منطقه متعلق به روسیه است. روسیه بزرگترین ذخایر گاز دنیا (۱۸,۱) درصد ذخایر گاز جهان) و ۶,۳ درصد ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است. حال لازم است میزان تولید مناطق مختلف جهان تا پایان سال ۲۰۱۷ را بررسی نماییم که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

پژوهش‌های
روابط بین الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین الملل،

دوره هشتم، شماره

اول، شماره پیاپی

بیست و هفتم

بهار ۱۳۹۷

جدول شماره ۲: میزان تولید نفت و گاز در جهان (هزار بشکه در روز و میلیارد متر مکعب)

(BP,2018)

کشورها	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	درصد از جهان
آمریکای شمالی	نفت	۱۴۳۱۴	۱۵۵۵۵	۱۶۹۴۶	۱۸۸۲۳	۱۹۷۲۶	۱۹۲۹۲	۲۱,۷
	گاز	۸۲۰,۵	۸۵۰,۳	۸۶۰,۱	۹۱۵,۱	۹۴۹,۲	۹۴۴,۶	۲۵,۹
آمریکای مرکزی و جنوبی	نفت	۷۴۴۹	۷۳۷۳	۷۴۰۳	۷۶۶۳	۷۷۵۹	۷۴۱۸	۷,۸
	گاز	۱۶۷,۵	۱۷۳,۸	۱۷۶,۹	۱۷۹,۱	۱۸۰,۹	۱۷۸,۸	۴,۹
اروپا	نفت	۳۸۳۵	۳۵۲۳	۳۳۵۶	۳۳۹۰	۳۵۳۸	۳۵۶۶	۳,۸
	گاز	۲۶۲,۹	۲۶۶,۵	۲۵۹,۴	۲۴۶,۷	۲۴۱,۷	۲۳۸,۶	۶,۶
آسیای میانه و قفقاز	نفت	۱۳۵۵۷	۱۳۶۰۹	۱۳۸۳۴	۱۳۸۳۰	۱۳۹۶۶	۱۴۱۶۲	۱۵,۴
	گاز	۷۸۸,۹	۷۷۷,۱	۷۹۲,۸	۷۷۶,۱	۷۷۱,۶	۷۶۹,۸	۲۲,۲
خاورمیانه	نفت	۲۸۰۸۲	۲۸۵۲۳	۲۸۱۹۴	۲۸۴۹۶	۳۰۰۲۳	۳۱۸۴۹	۳۴,۱
	گاز	۵۲۶,۴	۵۵۲,۲	۵۶۹,۱	۵۸۹,۹	۶۰۸,۴	۶۳۰,۸	۱۷,۹
آفریقا	نفت	۸۴۹۴	۹۲۶۴	۸۵۸۰	۸۱۹۱	۸۱۳۰	۷۶۸۷	۸,۷
	گاز	۲۰۲,۶	۲۰۷,۸	۱۹۸,۳	۲۰۰,۶	۲۰۳,۶	۲۰۷,۰	۶,۱
آسیا پاسفیک	نفت	۸۲۹۶	۸۳۸۲	۸۲۵۷	۸۳۲۷	۸۴۰۵	۸۰۵۰	۸,۵
	گاز	۵۰۰,۱	۵۰۹,۴	۵۱۹,۶	۵۳۹,۴	۵۶۴,۰	۵۸۰,۳	۱۶,۵
کل جهان	نفت	۸۴۰۲۷	۸۶۲۲۹	۸۶۵۷۰	۸۸۷۲۱	۹۱۵۴۷	۹۲۰۲۳	۱۰۰
	گاز	۳۲۶۹,۰	۳۳۳۷,۱	۳۳۷۶,۲	۳۴۴۶,۹	۳۵۱۹,۴	۳۵۴۹,۸	۳۶۸۰,۴

BP statistical review of world energy 2018

چنانکه در جدول فوق نیز آمده است، در پایان سال ۲۰۱۷ آمریکای شمالی با بیش از ۲۵ درصد بیشترین میزان تولید گاز در جهان را داشته است و آسیای مرکزی و قفقاز با ۲۲,۲ درصد رتبه دوم و خاورمیانه با ۱۷,۹ درصد رتبه سوم تولید گاز در جهان را داشته است. لازم به ذکر است در هریک از مناطق فوق یک یا دو کشور بیشترین میزان تولید گاز را داشته‌اند که از آن جمله در حوزه آمریکای شمالی می‌توان به ایالات متحده

۲۵۵



چشم انداز جهانی
عرضه و تقاضای
نفت و گاز و جایگاه
ژئواستراتژیک
ایران

آمریکا (با اتکا به فناوری گاز شیل) و کانادا اشاره کرد و در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز به روسیه اشاره کرد. تولید گاز در روسیه ۸,۲ درصد رشد داشته و با این میزان روسیه دومین کشور بزرگ صادر کننده گاز در جهان (بعد از آمریکا) است. روسیه بطور کلی ۱۰,۴ انرژی جهان را تولید می‌کند و بیشترین سهم را در گاز با ۱۷,۳ درصد و در نفت با ۱۲,۶ درصد است. در حوزه خاورمیانه نیز به ایران و قطر می‌توان اشاره کرد. میزان مصرف نفت و گاز مناطق مختلف جهان نیز در جدول ذیل ذکر شده است.

جدول شماره ۳. میزان مصرف در هزار بشکه در روز و میلیارد متر مکعب ((BP,2018)

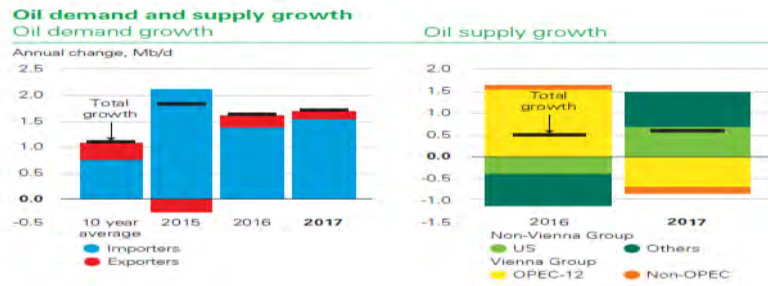
کشورها	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	درصد از جهان
آمریکای شمالی	نفت	۲۳۳۲۹	۲۲۹۱۵	۲۳۳۷۹	۲۳۴۶۵	۲۳۸۱۸	۲۴۰۶۵	۲۴,۷
	گاز	۸۲۴,۶	۸۵۴,۶	۸۸۳,۶	۹۰۵,۶	۹۲۴,۵	۹۵۱,۶	۹۴۲,۸
آمریکای مرکزی و جنوبی	نفت	۶۵۷۰	۶۷۴۲	۶۹۸۷	۷۰۵۸	۷۰۲۱	۶۸۱۱	۶,۹
	گاز	۱۵۳,۱	۱۶۲,۲	۱۶۸,۷	۱۷۲,۲	۱۷۸,۶	۱۷۵,۱	۱۷۳,۴
اروپا	نفت	۱۴۹۷۵	۱۴۴۴۳	۱۴۲۶۳	۱۴۰۴۹	۱۴۴۱۳	۱۴۶۹۶	۱۵,۳
	گاز	۵۲۳,۳	۵۱۲,۳	۵۰۶,۲	۴۵۸,۹	۴۷۵,۸	۵۰۵,۶	۵۳۱,۷
آسیای میانه و قفقاز	نفت	۴۱۱۸	۴۲۰۶	۴۱۷۶	۴۳۳۳	۴۱۶۲	۴۲۴۳	۴,۴
	گاز	۶۰۶,۲	۶۰۰,۵	۵۸۳,۱	۵۸۲,۷	۵۸۱,۴	۵۷۲,۹	۵۷۴,۶
خاورمیانه	نفت	۸۲۷۱	۸۵۹۵	۸۸۷۰	۹۰۳۲	۹۰۲۹	۹۱۶۱	۹,۵
	گاز	۴۰۳,۶	۴۱۷,۶	۴۲۹,۰	۴۵۵,۰	۴۸۷,۲	۵۰۸,۹	۵۳۶,۵
آفریقا	نفت	۳۳۸۸	۳۵۶۹	۳۷۲۴	۳۷۸۵	۳۸۱۷	۳۹۵۰	۴,۱
	گاز	۱۰۸,۳	۱۱۶,۲	۱۱۶,۶	۱۲۲,۱	۱۲۹,۶	۱۳۳,۲	۱۴۱,۸
آسیا پاسفیک	نفت	۲۸۹۱۱	۳۰۰۳۸	۳۰۶۸۹	۳۱۲۷۴	۳۲۵۲۱	۳۳۵۶۲	۳۵,۲
	گاز	۶۲۱,۹	۶۶۳,۶	۶۸۴,۳	۷۰۲,۲	۷۱۰,۱	۷۲۷,۰	۷۶۹,۶
کل جهان	نفت	۸۹۵۶۱	۹۰۵۰۹	۹۲۰۸۸	۹۲۹۸۶	۹۴۸۴۳	۹۶۴۸۸	۹۸۱۸۶
	گاز	۳۲۴۱,۰	۳۳۲۷,۱	۳۳۷۱,۵	۳۳۹۸,۷	۳۴۷۴,۲	۳۵۷۴,۲	۳۶۷۰,۴

BP statistical review of world energy 2018 -

در زمینه مصرف نفت نیز در پایان سال ۲۰۱۷ حوزه آسیا پاسفیک با بیش از ۳۵ درصد بیشترین میزان تقاضا را داشته است که در آن چین و هند بیشترین میزان تقاضا را

داشته‌اند. امریکای شمالی و اروپا نیز به ترتیب با ۲۴ و ۱۵ درصد در رتبه‌های دوم و سوم متقاضی نفت جهان بوده‌اند.

نمودار شماره ۵. وضعیت رشد تقاضای نفت در جهان (BP, 2018)



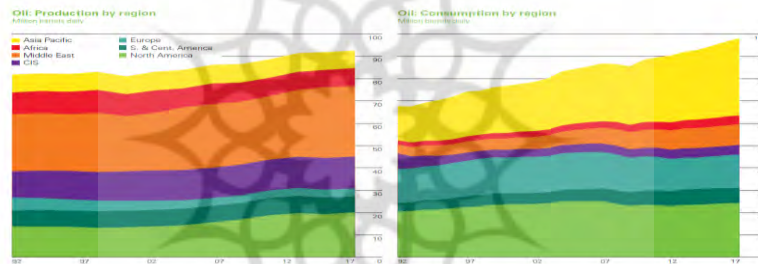
۲۵۷



چشم انداز جهانی
عرضه و تقاضای
نفت و گاز و جایگاه
ژئواستراتژیک
ایران

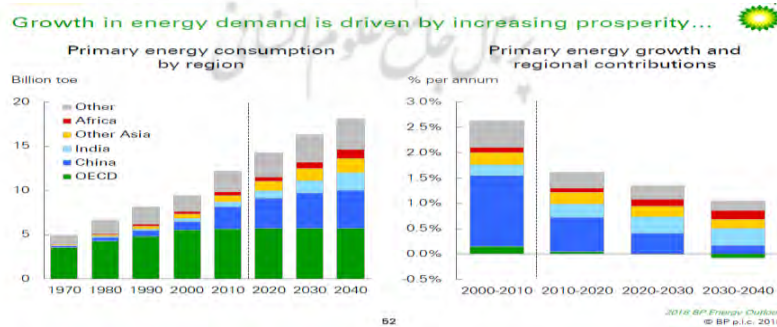
4 BP Statistical Review of World Energy 2018

نمودار شماره ۶. وضعیت تولید و عرضه جهانی نفت (BP, 2018)

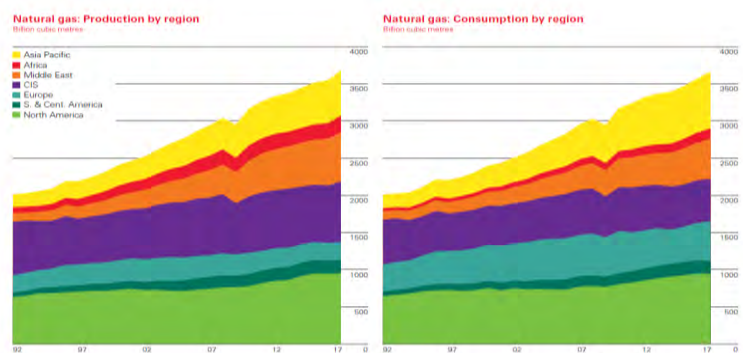


در زمینه مصرف گاز نیز امریکای شمالی با ۲۵ درصد در رتبه نخست و آسیا پاسفیک با ۲۱ درصد در رتبه دوم و آسیای مرکزی با ۱۵ درصد در رتبه سوم جهان در پایان سال ۲۰۱۷ بوده‌اند.

نمودار شماره ۷. نمودار رشد تقاضای انرژی در مناطق مختلف جهان (BP, 2018)



نمودار شماره ۸. وضعیت تولید و عرضه گاز در مناطق مختلف جهان (BP, 2018)



BP statistical review of world energy 2018

۲۵۸

بنابراین چنانکه از تحلیل آمار جداول فوق بر می‌آید، شاهد افزایش عرضه و تقاضای نفت و گاز در جهان بوده‌ایم که در این میان بیشترین میزان تقاضا از سوی چین، هند، روسیه، اتحادیه اروپا و امریکا بوده است. در ادامه به تشریح وضعیت انرژی کشورهای مذکور خواهیم پرداخت.

چین

چین بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است. این کشور ۲۳,۲ درصد انرژی جهان را می‌بلعد. در سال ۲۰۱۷، ۳۳,۶ درصد تقاضای انرژی در جهان از سوی چین بوده است. وابستگی چین به واردات نفت در سال ۲۰۱۷ به میزان ۶۸ درصد رسیده است که این مقدار بالاترین میزان در تاریخ چین بوده است. بطور کلی میزان مصرف انرژی چین در سال ۲۰۱۶، ۱,۲ درصد و در سال ۲۰۱۷، ۳,۱ درصد رشد داشته است. مصرف گاز در چین از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۷ به میزان ۱۵ درصد و مصرف نفت ۳,۹ درصد رشد داشته است.

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

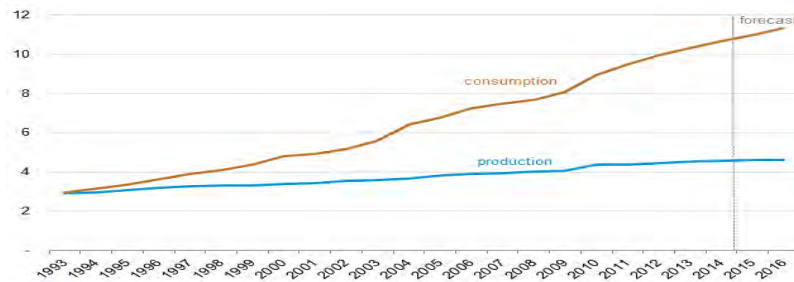
اول، شماره پیاپی

بیست و هفتم

بهار ۱۳۹۷

نمودار شماره ۹. مقایسه میزان تولید و مصرف نفت چین

(Eia,2017)



۲۵۹

[Http://Www. IEA.Org/Key World Energy Statistics/Pdf.2017](http://www.iea.org/key/world/energy/statistics/pdf/2017)

* هند

مصرف انرژی در سال ۲۰۱۷ در هند نیز به میزان ۴,۶ درصد رشد داشته است. سهم هند از بازار انرژی دنیا چیزی حدود ۵,۶ درصد است. میزان مصرف نفت هند ۲,۶ درصد و میزان مصرف گاز ۶,۹ درصد رشد داشته است. لذا میزان واردات نفت آن‌ها ۰,۷ درصد و واردات گاز ۰,۹ درصد رشد داشته است.

* روسیه

روسیه با سهم ۵,۲ درصدی از مصرف انرژی جهان، چهارمین کشور مصرف کننده انرژی در دنیا (بعد از چین، آمریکا و هند) است. میزان مصرف نفت و گاز روسیه در سال ۲۰۱۷ به ترتیب، ۱,۰ و ۱,۴ درصد رشد داشته است.

* اروپا

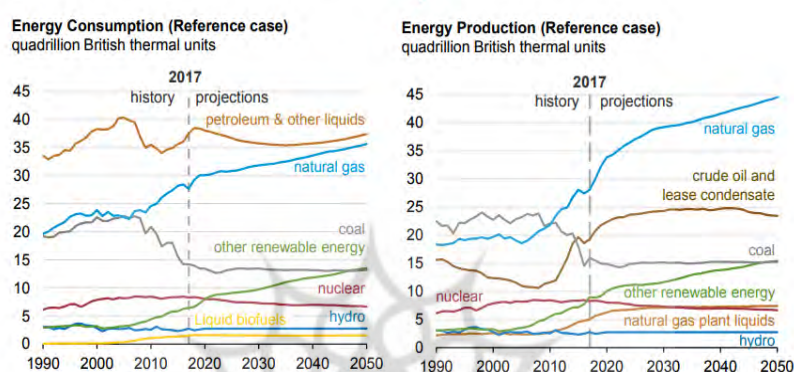
میزان مصرف اروپا نیز از سال ۲۰۰۶ به بالاترین مقدار خود در سال ۲۰۱۷ با ۱,۶ درصد رسیده است. مصرف گاز در اروپا ۴,۳ درصد رشد داشته است.

* آمریکا

میزان تولیدات انرژی ایالات متحده آمریکا ۴,۳ درصد بوده که این میزان بیش از مصرف آن که حدود ۰,۶ درصد بوده است و لذا ایالات متحده آمریکا تبدیل به صادرکننده گاز شده است. ۲۸,۴ درصد از انرژی مصرفی آمریکا گاز است.

میزان مصرف نفت در آمریکا ۰,۹ درصد رشد و مصرف گاز نیز ۱,۲ درصد کاهش داشته است. لذا میزان مصرف نفت بیشتر از گاز بوده است اما در عین حال میزان نفت وارداتی آن به میزان ۴,۵ میلیون بشکه کاهش یافته است که این میزان کمترین مقدار ثبت شده از سال ۱۹۸۵ بوده است.

نمودار شماره ۱۰. میزان تولید و مصرف انرژی آمریکا (Eia,2018)



[Http://Www. IEA.Org/Key World Energy Statistics/Pdf.2017](http://www.iea.org/key-world-energy-statistics/pdf.2017) -

آمریکا از جمله کشوری است که با تکیه بر فناوری‌های نوین استحصال در تلاش است تا از میزان وابستگی خود به نفت و گاز سایر مناطق دنیا بویژه خاورمیانه بکاهد اما در بازار جهانی انرژی استقلال مطلق وجود ندارد و مصرف کنندگان و تولیدکنندگان به یکدیگر وابستگی متقابل دارند. همه تولیدکنندگان و صادرکنندگان و مصرف کنندگان و واردکنندگان انرژی در شبکه ای از وابستگی متقابل قرار دارند. همه آن‌ها در برابر هر رویدادی که در هر جا و هر زمان در عرضه یا تقاضا رخ دهد، آسیب پذیرند.

بدین ترتیب، هرچند در سال‌های اخیر کشورهایی بزرگی چون ایالات متحده آمریکا تلاش داشته‌اند از میزان وابستگی خود به منابع انرژی این منطقه بکاهند اما با این حال، حتی با امکان شکل گیری خودکفایی ایالات متحده در تأمین امنیت انرژی باز این موضوع از اهمیت انرژی منطقه نخواهد کاست. این موضوع از دو بعد قابل بررسی است. نخست آنکه، حتی با فرض خودکفایی ایالات متحده در تأمین انرژی خود، باز هم این کشور به عنوان تنها هژمون باقی مانده پس از جنگ سرد تلاش خواهد داشت رشد و توسعه رقبای بزرگی

همچون چین و هند را که هر روز بیش از پیش به منابع انرژی این منطقه وابسته می‌شوند، کنترل نماید. لذا مبحث انرژی در این کشور موضوعی دویبعدی است؛ از یک سو می‌توان آن را پدیده‌ای اقتصادی و از سوی دیگر پدیده‌ای سیاسی توصیف کرد. ابزار انرژی جدای از اقتصادی بودن می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ای مهم در روابط سیاسی میان کشورها اثرگذار باشد. به کارگیری تکنولوژی جدید در آینده‌ای نه چندان دور، آمریکا را به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در سطح جهان تبدیل خواهد کرد. تأمین امنیت انرژی، به این کشور در عرصه بین‌الملل، آزادی عمل بیشتری خواهد داد. از این رو آمریکا با تکیه بر خودکفایی انرژی، می‌تواند در کنار مزایای اقتصادی از برد سیاسی این ابزار از طریق اعمال فشار بر دیگر کشورها و در نهایت بازتوزیع قدرت بین‌المللی بهره‌برد. چراکه هر کشوری که بر این منابع کنترل داشته باشد، اهرم قدرت جهانی را در چند دهه آینده کنترل خواهد کرد. ایالات متحده آمریکا نیز، در پی هژمونی و تثبیت قدرت خود در جهان است که این امر بدون تسلط بر شاه‌رگ انرژی جهان غیرممکن می‌نماید. ژاک اتو نیز در این باره اینگونه می‌نویسد که "آمریکا به عنوان سوپر هژمون نیاز به استفاده و بکارگیری منابع انرژی دارد که این امر مداخله نظامی در این منطقه را سبب می‌گردد (Otto 2009, 38). لذا، حضور ایالات متحده آمریکا در زیر سیستم خلیج فارس و استیلا بر انرژی منطقه به عنوان مداخله‌گر باعث گسترش حلقه کنترل آمریکا بر مانورهای سیاسی و اقتصادی رقبایی همچون چین در منطقه و در نهایت بر نظام بین‌الملل خواهد گردید. (wohl forth 1999, 8-25) به عبارت دیگر، آمریکا با تسلط بر این منابع عظیم دست رقبای خود را از این منابع کوتاه می‌کند و همچنین می‌تواند بازارهای جهانی نفت را کنترل کند. بدین ترتیب این موضوع مویذ این مطلب خواهد بود که این منطقه در آینده نیز همچون گذشته در کانون توجه کشورها قرار خواهد داشت (رحمتی پور و آجیلی، ۱۳۹۵: ۱۵).

امنیت انرژی و تحولات حوزه انرژی

امنیت عرضه انرژی برای مصرف‌کنندگان بزرگ نفت و گاز و امنیت تقاضای انرژی یا امنیت بازار برای صادرکنندگان بزرگ نفت و گاز همواره از اهم مسائل راهبردی بوده و خواهد بود. تحولات آینده بازار جهانی نفت و گاز اهمیت این مسئله را دوچندان کرده

است. این تحولات را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: الف) پیشرفت‌های فنی در بهره‌برداری تجاری از ذخایر نفت و گاز نامتعارف؛ ب) تغییر الگوی وابستگی تاریخی برخی کشورهای بزرگ مصرف‌کننده به کشورهای بزرگ صادرکننده نفت به ویژه در خلیج فارس؛ ج) تغییر در کارایی سیاست‌های سرمایه‌گذاری کشورهای مصرف‌کننده در اکتشاف، توسعه و تولید میداین در کشورهای صاحب ذخایر و د) تغییر در سیاست‌های تجاری کشورهای مصرف‌کننده و صادرکننده نفت و گاز. کشف ذخایر عظیم نفت و گاز نامتعارف مانند شیل‌های نفتی و گازی به ویژه در آمریکا، کانادا و روسیه و امکان توسعه بهره‌برداری تجاری از این ذخایر در آینده به شرط افزایش قیمت نفت خام و گاز طبیعی، موجب شده است که تصویر اقتصاد سیاسی عرضه و تقاضای نفت و گاز در سطح جهانی تغییر کند (رخشان، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

راهبرد چندین ساله ایالات متحده آمریکا در کاهش وابستگی به نفت خاورمیانه به ویژه پنج کشور بزرگ تولیدکننده و صادرکننده نفت خام در خلیج فارس و توفیقات نسبی این راهبرد به همراه آغاز بهره‌برداری از ذخایر گازهای نامتعارف در این کشور فضای مناسبی را ایجاد کرده است که چین بتواند در میان مدت و بلندمدت، نفت و گاز مورد نیاز خود را که به سرعت در حال افزایش است، تا حدی از کشورهای حوزه خلیج فارس تأمین کند نگرانی از عدم امنیت عرضه انرژی برای کشورهای صنعتی ریشه در توزیع جغرافیایی نامتناسب ذخایر نفت و گاز دارد. ذخایر عظیم نفت و گاز خاورمیانه که عمدتاً در حوزه خلیج فارس قرار دارد، متعلق به کشورهایی است که صنعتی نیستند و کشورهای بزرگ صنعتی نوعاً فاقد ذخایر قابل ملاحظه‌ای از نفت و گاز می‌باشند. سیاست‌های راهبردی کشورهای صنعتی برای مقابله با آثار نامطلوب چنین عدم تطابق طبیعی ذخایر نفت و گاز با نیازهای صنعتی معمولاً به دو دسته کلی تقسیم می‌شود.

راهبردهای دسته اول مربوط به سرمایه‌گذاری در اکتشاف، توسعه و تولید از میداین نفتی و گازی در کشورهای صاحب ذخایر است تا بدین ترتیب اطمینان خاطر حاصل شود که در صورت بروز بحران یا اتفاق پیش‌بینی نشده، جریان صدور نفت به کشور سرمایه‌گذار همچنان استمرار خواهد داشت. با توجه به تحولات بازار جهانی نفت و

گاز، این راهبرد سنتی، کارایی خود را در تأمین امنیت عرضه انرژی از دست داده است (درخشان، ۱۳۹۱: ۱۸۶).

راهبردهای دسته دوم را می‌توان در اتخاذ سیاست‌های مناسب تجاری در بازارهای جهانی نفت و گاز خلاصه نمود. تحولات بازارهای جهانی نفت و گاز، نقش بازیگران اصلی در این بازارها را تحت تأثیر قرار داده و خواهد داد. شرکت‌های نفتی خارجی، شرکت‌های ملی نفت، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی همچون اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی، هر یک به تنهایی و یا در ارتباط با یکدیگر، امنیت عرضه انرژی برای مصرف کنندگان و امنیت تقاضای انرژی برای تولیدکنندگان را متأثر کرده و خواهند کرد. چین، روسیه و عربستان سعودی، هر یک با تصویری که از سطح بهینه قیمت نفت خام دارند، بر تحولات بازار جهانی نفت و سیاست‌های تجاری دیگر بازیگران تأثیر گذار هستند. وابستگی شدید اقتصاد روسیه به درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام و گاز طبیعی ایجاب می‌کند که این کشور در پی تحقق سطوح بالاتری از قیمت باشد. عربستان سعودی نیز با داشتن بالاترین حجم از ذخایر اثبات شده نفت، به ظاهر از رشد سرمایه گذاری برای تولید تجاری از ذخایر نفت و گاز نامتعارف نگران است؛ ضمن آنکه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را همسو سیاست‌های نفتی خود نمی‌بیند. از این رو سال‌هاست که سیاست جلوگیری از افزایش قیمت نفت خام را دنبال کرده است، هرچند که شواهد تاریخی نشان می‌دهد هرگاه عوامل بنیادین بازار زمینه افزایش قیمت نفت را فراهم نموده، عربستان سعودی ناتوانی خود را در جلوگیری از افزایش قیمت به خوبی نشان داده است. چین نیز نگران افزایش قیمت نفت خام است، اما نه به همان دلایلی که برای عربستان سعودی مطرح است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که علی‌رغم گزارش‌های خوشبینانه و آمارهای دلگرم کننده از توازن عرضه و تقاضای نفت خام و گاز طبیعی در میان مدت و بلندمدت که توسط اکثر نهادهای انرژی در کشورهای بزرگ صنعتی منتشر می‌شود، کشورهای صنعتی به ویژه اروپای غربی و ژاپن و همچنین چین در معرض عدم امنیت عرضه انرژی در بلندمدت قرار دارند (درخشان، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

وضعیت ذخایر، تولید و عرضه انرژی در خاورمیانه

به اعتقاد فون لوهازن^۱ خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است. مرکزی که در دل آن خلیج فارس قرار دارد و به منزله «مرکز مرکز» شناخته می‌شود. بیش از هفتاد سال است که خاورمیانه و خلیج فارس مهم‌ترین منبع استراتژیک تأمین انرژی جهان است. خاورمیانه برخوردار از این منابع حیاتی در اقتصاد و سیاست جهان، ده‌ها سال است به کانون رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است.

این منطقه به لحاظ موقعیت جغرافیایی ویژه در نظریات ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بوده است. چهار کشور عمده تولید کننده نفت جهان یعنی عربستان سعودی، ایران، عراق و امارات متحده عربی و دو کشور تولید کننده گاز جهان یعنی ایران و قطر؛ در این منطقه از جهان قرار گرفته‌اند که نه تنها در گذشته بلکه در چشم انداز آینده جهان نیز چنان گذشته اهمیت فوق العاده‌ای خواهند داشت. چرا که یکی از ویژگی‌های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت یافتن اقتصاد در عرصه جهانی است. به طوری که قدرت اقتصادی تعیین کننده جایگاه و نقش کشورها در نظام بین‌الملل است. آلفرد مکیندر^۲ برجسته‌ترین جغرافیدان سیاسی در اوایل قرن بیستم این منطقه را در نظریه معروف خود با عنوان هارتلند تشریح کرد. در آغاز هزاره جدید با اهمیت یافتن اقتصاد در نظام جدید جهانی، مناطقی از جهان اهمیت یافتند که از نظر اقتصادی و ذخایر انرژی غنی باشند. بر این اساس بر این اساس در توازن قدرت‌های آینده، برتری از آن قدرتی خواهد بود که بر مناطق ژئواکونومیکی تسلط داشته باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

منطقه خاورمیانه به جهت موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی از مهم‌ترین مناطقی است که به لحاظ دارا بودن ذخایر عظیمی از نفت و گاز جهان موقعیت ممتازی را در میان دیگر مناطق جغرافیایی در جهان دارد. علاوه بر ذخایر انرژی موجود که سهم بسزایی در اقتصاد جهان دارد مبادی ورود و خروج این ذخایر به دنیای صنعتی نیز حائز اهمیت است. تنگه هرمز به جهت میزان انرژی که روزانه از طریق آن صادر می‌شود، سهم قابل ملاحظه‌ای را در امنیت انرژی جهان و واردکنندگان انرژی از

1. Lhaasen

2. Alfred MacInDr

این منطقه دارد و از همین روست که از عبارت «شاهرگ حیاتی انرژی دنیا» برای تنگه هرمز یاد می‌شود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۵۰).

مطابق با آمارهای منتشر شده در بریتیش پترولیوم^۱ و آژانس اطلاعات انرژی آمریکا، ذخایر نفت منطقه خاورمیانه در پایان سال ۲۰۱۷، بیش از ۴۷ درصد برآورد شده است که این میزان بیشترین مقدار ذخایر نفت در دنیا می‌باشد. همچنین ۳۴ درصد از نفت تولید شده دنیا از این منطقه بوده است.

در ادامه جداول ذخایر اثبات شده نفت و تولید نفت در خاورمیانه طی سالهای مختلف آورده شده است.

۲۶۵

جدول شماره ۴. ذخایر اثبات شده نفت در خاورمیانه (BP, 2018)

کشورها	۱۹۹۷	۲۰۰۷	۲۰۱۶	۲۰۱۷	درصد از جهان
ایران	۹۲,۶	۱۳۸,۲	۱۵۷,۲	۱۵۷,۲	۹,۳
عراق	۱۱۲,۵	۱۱۵,۰	۱۴۸,۸	۱۴۸,۸	۸,۸
کویت	۹۶,۵	۱۰۱,۵	۱۰۱,۵	۱۰۱,۵	۶,۰
عمان	۵,۴	۵,۶	۵,۴	۵,۴	۰,۳
قطر	۱۲,۵	۲۷,۳	۲۵,۲	۲۵,۲	۱,۵
عربستان	۲۶۱,۵	۲۶۴,۲	۲۶۶,۲	۲۶۶,۲	۱۵,۷
سوریه	۲,۳	۲,۵	۲,۵	۲,۵	۰,۱
امارات	۹۷,۸	۹۷,۸	۹۷,۸	۹۷,۸	۵,۸
یمن	۱,۸	۲,۷	۳,۰	۳,۰	۰,۲
سایر کشورهای خاورمیانه	۰,۲	۰,۱	۰,۱	۰,۱	کمتر از ۰,۰۵
مجموع	۶۸۳,۲	۷۵۴,۹	۸۰۷,۷	۸۰۷,۷	۴۷,۶

- BP statistical review of world energy 2018



چشم انداز جهانی
عرضه و تقاضای
نفت و گاز و جایگاه
ژئواستراتژیک
ایران

چنانکه در جدول فوق آمده است، در میان کشورهای خاورمیانه، عربستان با بیش از ۱۵ درصد بیشترین میزان ذخایر نفت دنیا را دارد. ایران و عراق نیز با داشتن به ترتیب ۹ و ۸ درصد از ذخایر نفتی دنیا در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۵. میزان تولید نفت خاورمیانه (در هزار در بشکه در روز) (BP, 2018)

کشورها	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	درصد از جهان
ایران	۴۴۷۲	۳۸۲۰	۳۶۱۷	۳۷۲۴	۳۸۶۲	۴۶۰۲	۴۹۸۲	۵,۴
عراق	۲۷۷۳	۳۰۷۹	۳۱۰۳	۳۲۳۹	۳۹۸۶	۴۴۲۳	۴۵۲۰	۴,۹
کویت	۲۹۱۳	۳۱۶۹	۳۱۲۹	۳۱۰۱	۳۰۶۵	۳۱۴۵	۳۰۲۵	۳,۳
عمان	۸۸۵	۹۱۸	۹۴۲	۹۴۳	۹۸۱	۱۰۰۴	۹۷۱	۱,۰
قطر	۱۸۳۴	۱۹۳۹	۲۰۰۲	۱۹۸۵	۱۹۵۸	۱۹۷۰	۱۹۱۶	۲,۱
عربستان	۱۱۱۴۴	۱۱۶۳۵	۱۱۳۹۳	۱۱۵۰۵	۱۱۹۹۴	۱۲۴۰۲	۱۱۹۵۱	۱۲,۹
سوریه	۳۵۳	۱۷۱	۵۹	۳۳	۲۷	۲۵	۲۵	کمتر از ۰,۰۵
امارات	۳۲۸۵	۳۴۳۰	۳۵۴۳	۳۵۹۹	۳۸۷۳	۴۰۲۰	۳۹۳۵	۴,۲
یمن	۲۲۱	۱۷۸	۱۹۸	۱۵۳	۶۴	۴۳	۵۲	۰,۱
سایر کشورهای خاورمیانه	۲۰۱	۱۸۴	۲۰۹	۲۱۴	۲۱۳	۲۱۴	۲۲۰	۰,۲
مجموع	۲۸۰۸۲	۲۸۵۲۳	۲۸۱۹۴	۲۸۴۹۶	۳۰۰۲۳	۳۱۸۴۹	۳۱۵۹۷	۳۴,۱

BP statistical review of world energy 2018

در حوزه تولید نفت نیز عربستان با تولید ۱۱۹۵۱ هزار بشکه در روز، ۱۲,۹ درصد نفت تولیدی جهان را برعهده داشته است. ایران، عراق و امارات نیز به ترتیب با ۵,۴، ۴,۹ و ۴,۲ درصد از تولید نفت جهان در رتبه‌های دوم، سوم و چهارم قرار گرفته‌اند.

میزان تولید نفت از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۷ در عربستان، کویت و امارات و از سال ۲۰۰۶ در عمان و از سال ۲۰۰۲ در قطر کاهش داشته‌اند و به همین نسبت ایران و عراق در میزان تولیدات خود افزایش داشته‌اند (اژانس اطلاعات انرژی امریکا، ۲۰۱۸: ۴۴). علاوه بر نفت، خاورمیانه؛ دارای ذخایر عظیم گاز طبیعی نیز می‌باشد که بصورت روزافزونی در تولید انرژی جهانی سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. ایران و قطر به عنوان دومین و سومین دارندگان ذخایر گازی، بیشترین میزان را در اختیار دارند. جدول شماره ۶. میزان ذخایر اثبات شده گاز در خاورمیانه (هزار میلیارد متر مکعب) (BP2018)

کشورها	۱۹۹۷	۲۰۰۷	۲۰۱۶	۲۰۱۷	درصد از جهان
بحرین	۰,۱	۰,۱	۰,۲	۰,۲	۰,۱
ایران	۲۲,۷	۲۷,۷	۳۳,۲	۳۳,۲	۱۷,۲
عراق	۳,۰	۳,۰	۳,۵	۳,۵	۱,۸
اسرائیل	کمتر از ۰,۰۵	کمتر از ۰,۰۵	۰,۲	۰,۵	۰,۲
کویت	۱,۴	۱,۷	۱,۷	۱,۷	۰,۹
عمان	۰,۵	۰,۹	۰,۷	۰,۷	۰,۳
قطر	۸,۸	۲۶,۴	۲۴,۹	۲۴,۹	۱۲,۹
عربستان سعودی	۵,۶	۶,۹	۸,۰	۸,۰	۴,۲
سوریه	۰,۲	۰,۳	۰,۳	۰,۳	۰,۱
امارات	۵,۹	۶,۳	۵,۹	۵,۹	۳,۱
یمن	۰,۳	۰,۳	۰,۳	۰,۳	۰,۱
سایر کشورهای خاورمیانه	کمتر از ۰,۰۵	کمتر از ۰,۰۵	کمتر از ۰,۰۵	کمتر از ۰,۰۵	کمتر از ۰,۰۵
مجموع	۴۸,۶	۷۳,۶	۷۸,۸	۷۹,۱	۴۰,۹

BP statistical review of world energy 2018

مطابق آمارهای منتشر شده در پایان سال ۲۰۱۷، ایران با داشتن بیش از ۱۷ درصد از ذخایر گازی جهان، رتبه اول و قطر با بیش از ۱۲ درصد در رتبه دوم منطقه خاورمیانه

قرار گرفته‌اند. که این امر نشان از اهمیت این منطقه با ذخایر گازی بیش از ۴۰ درصد در سطح جهان می‌باشد.

جدول شماره ۷. میزان تولید گاز در خاورمیانه (میلیارد متر مکعب)

کشورها	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	درصد از جهان
بحرین	۱۲,۶	۱۳,۱	۱۴,۰	۱۴,۷	۱۴,۸	۱۴,۷	۱۵,۱	۰,۴
ایران	۱۵۷,۵	۱۶۳,۷	۱۶۴,۳	۱۸۳,۱	۱۹۱,۴	۲۰۳,۲	۲۲۳,۹	۶,۱
عراق	۶,۳	۶,۳	۷,۱	۷,۵	۷,۳	۹,۹	۱۰,۴	۰,۳
کویت	۱۲,۹	۱۴,۷	۱۵,۵	۱۴,۳	۱۶,۱	۱۶,۴	۱۷,۴	۰,۵
عمان	۲۷,۱	۲۸,۳	۳۰,۸	۲۹,۳	۳۰,۷	۳۱,۴	۳۲,۳	۰,۹
قطر	۱۵۰,۴	۱۶۲,۵	۱۶۷,۷	۱۶۹,۱	۱۷۵,۲	۱۷۷,۰	۱۷۵,۷	۴,۸
عربستان	۸۷,۶	۹۴,۴	۹۵,۰	۹۷,۳	۹۹,۲	۱۰۵,۳	۱۱۱,۴	۳,۰
سوریه	۷,۴	۶,۱	۵,۰	۴,۶	۴,۱	۳,۶	۳,۱	۰,۱
امارات	۵۱,۰	۵۲,۹	۵۳,۲	۵۲,۹	۵۸,۷	۵۹,۶	۶۰,۴	۱,۶
یمن	۹,۴	۷,۶	۱۰,۴	۹,۸	۲,۹	۰,۶	۰,۷	کمتر از ۰,۰۵
سایر کشورهای خاورمیانه	۴,۲	۲,۵	۶,۳	۷,۳	۸,۱	۹,۰	۹,۵	۰,۳
مجموع	۵۲۶,۴	۵۵۲,۲	۵۶۹,۱	۵۸۹,۹	۶۰۸,۴	۶۳۰,۸	۶۵۹,۹	۱۷,۹

- BP statistical review of world energy 2018

در پایان سال ۲۰۱۷، بیش از ۱۷ درصد گاز جهان از منطقه خاورمیانه تأمین شده است که از این میزان ۶ درصد از گاز تولید شده از سوی ایران بوده است. قطر نیز بعد از ایران با ۴,۸ درصد از گاز تولیدی جهان در رتبه دوم قرار گرفته است. لذا ایران و قطر جمعاً حدود ۱۱ درصد از ۱۷ درصد گاز تولید شده در خاورمیانه را برعهده داشته‌اند که این موضوع حاکی از نقش بسیار مهم دو کشور مذکور در تولید گاز در منطقه و جهان است.

از سال ۲۰۱۱ تولید گاز بیشترین رشد را داشته است. تولید گاز ایران حدود ۱۰,۵ درصد، عربستان ۶,۱ درصد رشد داشته است و این در حالی است که از سال ۱۹۸۷ برای اولین بار قطر میزان تولید گاز خود را کاهش داده است. ۳۱ درصد صادرات LNG جهان از خاورمیانه صورت گرفته و بالاترین میزان صادرکننده گاز بصورت LNG کشور قطر بوده است (آژانس اطلاعات انرژی امریکا، ۲۰۱۸: ۲۴).

بنابراین بطور کلی، با دقت در آمار و ارقام ارائه شده، متوجه خواهیم شد که بیشترین میزان ذخایر و تولیدات نفت و گاز طی سال‌های مختلف تا ۲۰۱۷ در منطقه خاورمیانه و زیرسیستم آن یعنی خلیج فارس بوده و در عین حال بیشترین میزان مصرف انرژی نیز از سوی کشورهای شرق آسیا و کشورهای توسعه یافته بوده است. بدین ترتیب مطابق با این آمارها این کشورها بیش از پیش به منابع انرژی این منطقه وابسته خواهند شد. بدین ترتیب، اولاً روند افزایشی نیاز جهانی به انرژی ادامه خواهد داشت اما این رشد بیشتر در حوزه کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور اقتصادی خواهد بود و دیگر اینکه؛ علیرغم اکتشافات نفتی جدید در اقصی نقاط جهان، عملاً بر وزن کشورهای اوپک و بویژه خلیج فارس در تأمین انرژی جهانی افزوده خواهد شد (Cordesman2013,10). همچنین لازم به ذکر است این موضوع حتی با وجود منابع انرژی غیرمتعارف نیز صادق است. همچنان که در سال‌های اخیر کشورهایی بزرگی چون ایالات متحده آمریکا تلاش داشته‌اند از میزان وابستگی خود به منابع انرژی این منطقه بکاهند اما با این حال، حتی با امکان شکل‌گیری خودکفایی ایالات متحده در تأمین امنیت انرژی باز این موضوع از اهمیت این منطقه نخواهد کاست. چرا که منابع انرژی این منطقه مزایای خاص خود را داشته و دارا می‌باشد (رحمتی پور و آجیلی، ۱۳۹۵: ۶۵).

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضروری می‌نماید آنست که اگر چه در سایر نقاط جهان میزانی از انرژی جهان تولید می‌شود اما این میزان جوابگوی رشد سریع تقاضای انرژی در جهان نمی‌باشد. لذا منطقه خلیج فارس هنوز در کانون تأمین‌کننده منابع انرژی جهان قرار دارد.

بنابراین با وجود تحولات روزافزون در زمینه‌های گوناگون علمی و تکنولوژیکی، جهان هنوز نتوانسته است مسائل و مشکلات موجود در زمینه انرژی و جایگزینی آن را برطرف سازد و چنانکه گفته شد، امروزه در نظریه‌های جدید ژئواکونومیک مناطقی که

دارای ذخایر انرژی هستند دارای اهمیت و ارزش افزون شده‌اند. از این رهگذر، حوزه خلیج فارس هنوز بزرگ‌ترین منابع انرژی را در خود جای داده است. بجز خلیج فارس، سایر مناطق جهان با توجه به اینکه از نظر منابع نیز غنی می‌باشند، اما به دلیل تقاضای بالای مصرف انرژی، خود نیازمند نفت خلیج فارس هستند و از این روی مطابق با بررسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی، خاورمیانه و زیرسیستم آن یعنی خلیج فارس، همچنان تنها منبع بزرگ نفت کم هزینه و ارزان جهان محسوب می‌شود (رحمتی پور و آجیلی، ۱۳۹۵: ۶۵).

در کنار این مطالب توجه به این نکته نیز ضروری می‌نماید که بدانیم، اگرچه تقاضا و میزان مصرف انرژی در جهان سر صعودی داشته است ولی این بازار انرژی را چالش‌هایی دائمی تهدید می‌کند؛ این حقیقت که نفت یک کالای جهانی است و برای رشد پایدار در اقتصاد جهانی ضرورت دارد، بحث بر سر امنیت دسترسی به آن، یافتن جانشین‌های مناسب، تثبیت قیمت و حفظ محیط زیست و... را افزایش داده است. مسائل و چالش‌هایی که به یکدیگر وابسته است و ذهن سیاستمداران و محافل سیاسی و اقتصادی را به خود مشغول داشته، عبارت است از:

- تمرکز بیشتر ذخایر نفتی در خاورمیانه: دوسوم منابع نفتی جهان در کشورهای عضو اوپک و بویژه در خاورمیانه است. این وضع، با توجه به اینکه خاورمیانه با مسائل سیاسی و کشمکش‌های منطقه‌ای روبه‌رو است، تهدیدی برای تأمین نفت جهان و مایه بی‌ثباتی بازار است. دگرگونی‌های سه دهه گذشته در خاورمیانه مانند تحریم نفتی ۱۹۷۳، انقلاب ایران، جنگ ایران و عراق و حمله عراق به کویت نشان دهنده اثرپذیری شدید بازار نفت از دگرگونی‌های منطقه‌ای است. این تحلیل با رویدادهای ۱۱ سپتامبر بیشتر مورد توجه قرار گرفت، به گونه‌ای که آمریکا درصدد کاستن از وابستگی خود به نفت خاورمیانه برآمد.

- کوشش کشورهای صنعتی برای کشف نفت در کشورهای غیر عضو اوپک، چالش دیگر در عرصه انرژی است.

- پیشرفت تکنولوژی در صنعت انرژی، دیگر چالش بزرگ در این بازار است. پیشرفت تکنولوژی به معنای کاهش هزینه‌های اکتشاف، فرآوری، تولید و انتقال و حتی مصرف حامل‌های گوناگون انرژی است. اکنون هزینه اکتشاف و استحصال نفت در مناطق صخره‌ای و سخت و دریا‌های ژرف با به کارگیری ابزارهای تازه و زدن چاه‌های عمیق

کاهش یافته است اگرچه هنوز باندازه استحصال طبیعی از چاه‌های نفت و گاز مقرون به صرفه نیست. توان ناچیز کشورهای عضو اوپک در حوزه تکنولوژی، بعد دیگر این قضیه است که توجه لازم و درخور را می‌طلبد.

جایگاه ایران در ژئوانرژی جهان

بازار جهانی انرژی، سخت نیازمند تنوع انرژی و پراکندگی منابع است. آمارها نشان می‌دهد که با وجود نیاز روزافزون جهان که در بخش گذشته بدان پرداختیم، انبارهای انرژی چندان به تناسب جغرافیایی در سطح جهان پراکنده نشده است. اندازه ذخایر نفت و گاز جهان متغیر است و بستگی به کشف ذخایر تازه و مصرف ذخایر موجود دارد. درباره ذخایر نفت و پراکندگی جغرافیایی آن نیز باید این نکته را در نظر داشت که این ذخایر، به گونه برابر در نقاط گوناگون توزیع نشده است. کمابیش دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای حوزه خلیج فارس است. اگر ذخایر برآورد شده دریای مازندران را نیز به این ارقام بیفزاییم، درصد نسبی این ذخایر شاید به ۷۰ درصد برای نفت و بیش از ۷۰ درصد برای گاز طبیعی برسد. لذا بعد دیگری که باعث ارتقای اهمیت ایران در جایگاه ژئوانرژی جهانی می‌گردد، واقع شدن ایران در مرکز کانون استراتژیک انرژی جهان می‌باشد. جغرافی‌کمپ^۱ در کتاب جغرافیای استراتژیک معتقد است، جهان در بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر واقع گردیده که آن بیضی انرژی را یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های استراتژیک دوران کنونی می‌داند و ایران در مرکز این بیضی استراتژیک انرژی قرار دارد. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۸۷) در شمال و جنوب این منطقه کشورهای تولیدکننده و در شرق و غرب آن کشورهای مصرف‌کننده انرژی قرار گرفته‌اند. این موقعیت می‌تواند ایران را به هاب انرژی منطقه تبدیل کند. اهمیت هاب استراتژیک انرژی ایران بعد از یک یا حداکثر دو دهه روشن می‌شود، چراکه در آن زمان ذخایر متعارف نفت و گاز اروپا و آمریکا به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. قرن بیست و یکم قرن عقلانیت اقتصادی است و سیاست مداران کم‌فهم و تندرو باید این عقلانیت اقتصادی را بپذیرند. این عقلانیت ایجاب می‌کند که این بیضی انرژی و هاب انرژی نقش خود را پیدا کند (درخشان، ۱۳۹۱: ۱۵).

1. Jeffrey Camp

ایران، یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه، از گذشته از منابع بی بدیل انرژی و نفت و گاز فراوان و زیرساخت‌های تولید انرژی برق و از ظرفیت‌های چشمگیر ژئوپلیتیکی نیز برخوردار بوده است. در سال‌های اخیر، بازرگانی انرژی از تمرکز مراکز عرضه و تقاضا در مناطق جغرافیایی گوناگون اثر پذیرفته است و افزون بر این، کفایت و امنیت زیرساخت‌های مورد نیاز برای انتقال حجم بیشتری از نفت و گاز به نقاط دوردست و نقاط استراتژیک جهان، از نگرانی‌های اصلی بوده و خواهد بود. ایران نیز که در یکی از حیاتی‌ترین، پرآشوب‌ترین و پر رفت و آمدترین مسیرهای جهانی انرژی قرار دارد، بزرگ‌ترین مزیت ژئوپلیتیکی‌اش، در دست داشتن تنگه هرمز است. تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های استراتژیک جهان به شمار می‌آید که خلیج فارس را از راه دریای عمان، اقیانوس هند و خطوط کشتیرانی بین‌المللی به دریای آزاد پیوند می‌دهد. این آبراه، به سبب جایگاه ویژه استراتژیکش، شاه‌رگ اقتصاد جهان شمرده می‌شود و برای قدرت‌های بزرگ جهانی اهمیت اقتصادی و راهبردی بسیار دارد. روزانه نزدیک به ۴۰ درصد از کل نفت حمل شده توسط نفتکش‌ها (شامل ۲۰ درصد نفت مصرفی جهان)، از این تنگه می‌گذرد. حاشیه شمالی این تنگه در اختیار ایران است و سواحل جنوبی آن تحت حاکمیت دولت عمان قرار دارد، از آنجائیکه عمان حضور چندانی در خلیج فارس ندارد ایران به عنوان تنها تأمین‌کننده امنیت در منطقه مزبور است و از اهمیت شایانی برخوردار می‌باشد. وضعیت توپوگرافی سواحل ایران در خلیج فارس به نحوی است که سرتاسر سواحل برای اجرای عملیات (آبی خاکی) مساعد می‌باشد (عزتی، ۱۳۸۷؛ ۷). ارزش‌های ارتباطی، اقتصادی و ژئواستراتژیک تنگه هرمز، در موازنه قدرت جهانی بسیار مؤثر است و هر قدرتی که کنترل این تنگه را در دست داشته باشد، موازنه قدرت جهانی به سود او خواهد بود.

بنابراین، ایران با داشتن موقعیت جغرافیایی مناسب هم می‌تواند در بازار مصرفی شرق جهان (چین، هند، پاکستان) و هم در بازار مصرفی غرب جهان (اروپای غربی و حتی قاره آمریکا) هم از طریق احداث خط لوله و هم از طریق تولید و صادرات گاز مایع توسط کشتی‌های بزرگ حضور یابد و در تأمین منافع و امنیت ملی خویش از آن حداکثر بهره‌مندی را داشته باشد (حیدری، ۱۳۸۶: ۳۶). موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و

1. Topography

نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی است. ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ایکه برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. با وجود تلاش دولت آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به عنوان امن‌ترین، اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب‌های آزاد مطرح است.

۲۷۳

از سوی دیگر، ایران از ظرفیت‌های دریای مازندران نیز بهره می‌برد. پیدا شدن منابع بزرگ نفت و گاز در حوزه دریای مازندران بر اهمیت اقتصادی و سیاسی منطقه آسیای میانه در اقتصاد و سیاست بین‌الملل افزوده است. ذخایر مسلم نفتی دریای مازندران از ۸۷ تا ۱۱۰ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود، ولی انرژی دریای مازندران به بازارهای بین‌المللی راه ندارد و جز ایران و روسیه، سه جمهوری دیگر در کناره دریای مازندران از امکانات مستقل برای صدور نفت و گاز خود، چه از خشکی و چه از دریا، بی بهره‌اند. از این رو، به باور بسیاری از تحلیلگران، با توجه به زیرساخت‌های صنعتی مناسب در ایران و دسترسی آن به خلیج فارس، بهترین راه انتقال نفت این منطقه، ایران است. ولی ایران گذشته از بهره‌گیری از دریای مازندران و خلیج فارس، از مزایای ژئوپلیتیکی دیگری نیز برخوردار است. ایران، برپایه جایگاه جغرافیایی‌اش از نظر همجواری، واقع شدن در مسیر سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا، دارا بودن سرزمینی پهناور و مناسب ترابری، داشتن شبکه گسترده خطوط لوله نفت خام و گاز، نزدیکی به خاور دور که نیازمند انرژی است، همسایگی با کشورهای آسیای میانه (که برخی با وجود برخورداری از انرژی فراوان، راهی برای صدور آن ندارند و برخی دیگر برای تأمین انرژی همچون برق راهی جز تأمین آن از ایران ندارند)، امنیت و ثبات داخلی و... برخوردار است.

از سوی دیگر، ایران دومین کشور بزرگ عرضه کننده نفت در خاورمیانه و یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولید کننده نفت در جهان است که علاوه بر این می‌توان به ظرفیت‌های گازی ایران نیز اشاره کرد در آن اولین کشور بزرگ تولید کننده گاز در خاورمیانه و از مهم‌ترین تولید کنندگان گاز در جهان است. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران دارای چهارمین ذخایر بزرگ نفتی جهان و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در جهان

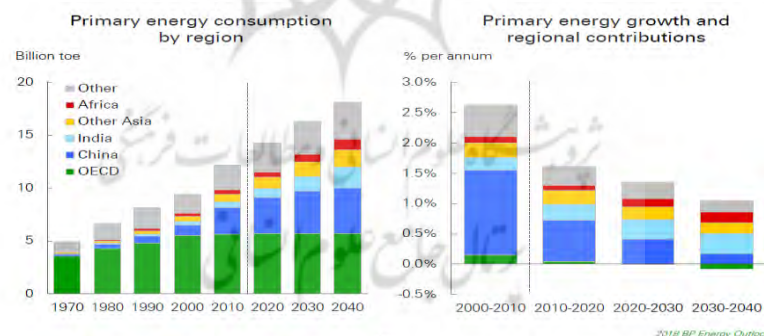


است. ایران در حدود نیمی از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران در مجموع ذخایر نفت و گاز رتبه اول را دارد (رستمی، ۱۳۹۱: ۱۳).

چنانکه در بررسی داده‌های آماری نیز مشهود است، رفته رفته اقبال عمومی به گاز بیشتر شده و در برخی از کشورها میزان مصرف آن از نفت نیز پیشی گرفته است. چنانکه این رویکرد جامعه جهانی به گاز طبیعی آنچنان زیاد شده است که این روزها صادرات گاز ایران علاوه بر مزایای اقتصادی، می‌تواند با ایجاد پیوندهای عمیق در عرصه روابط بی‌المللی و منطقه‌ای به صورت ابزاری برای تأمین امنیت ملی و ارتقای موقعیت سیاسی ایران در چانه زنی‌های بین‌المللی ایفای نقش کند.

مطابق با داده‌های آماری میزان مصرف انرژی در جهان که روند رو به رشدی را نشان می‌دهد می‌توان به جایگاه ایران با ظرفیت‌های نفتی و گازی ویژه خود بیش از پیش توجه کرد. میزان ذخایر نفت و گاز طبیعی ایران بیان‌کننده این واقعیت است که ایران ظرفیت و قابلیت رسیدن به یکی از محوری‌ترین شرکای مصرف‌کنندگان بزرگ جهان (بویژه هند و چین) را دارا می‌باشد.

نمودار شماره ۱۱. میزان افزایش مصرف انرژی در چشم‌انداز جهانی (BP Outlook 2018)



BP statistical review of world energy 2018

چین در پایان سال ۲۰۱۷ بزرگ‌ترین کشور مصرف‌کننده انرژی در جهان بوده است که این میزان در تاریخ این کشور بی‌سابقه بوده است. با توجه به آمارهای منتشر شده

در چشم انداز سال ۲۰۱۸ نیز تا پایان سال ۲۰۴۰ نیز این روند صعودی ادامه خواهد داشت و دوکشور چین و هند بزرگ‌ترین وارد کنندگان انرژی خواهند ماند.

ایران اکنون مرکز ثقل مهمی در ساختار امنیت انرژی چین محسوب می‌شود. چین دومین وارد کننده بزرگ نفت از ایران، در آسیا به شمار می‌رود. بررسی روند تولید و مصرف انرژی در هند نیز مبین این واقعیت است که در آینده نزدیک بین میزان مصرف و تولید نفت خام و گاز طبیعی این کشور شکاف عمیقی در حال ایجاد شدن می‌باشد و این کشور ناچار است برای تداوم رشد اقتصادی خود این شکاف را با واردات این فرآورده‌ها جبران نماید.

نیاز رو به تزاید هند به واردات نفت خام و گاز طبیعی، فرصت بسیار مناسبی را در اختیار تولیدکنندگان نفت خام، گاز طبیعی و آل. ان. جی جهان قرار خواهد داد. در این میان ایران به دلیل داشتن منابع غنی نفت و گاز و همچنین قربت ژئوپلیتیک با هند، ظرفیت تبدیل شدن به یک شریک انرژی مطمئن برای این کشور را دارد و در حال حاضر، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری دو کشور ایران و هند، همکاری‌های انرژی و خصوصاً همکاری در زمینه نفت خام و گاز طبیعی می‌باشد (صفوی و مهدیان، ۱۳۸۹):

(۳۸)

مشارکت و سرمایه‌گذاری قدرت‌های بزرگی مانند چین و هند در صنایع بالادستی نفت و گاز، توان ما را در دیپلماسی انرژی بالا می‌برد (عادلی، ۱۳۸۷: ۵۵). ایران در جهت دنبال نمودن استقلال سیاسی و اقتصادی هر چه بیشتر خود از غرب نیازمند داشتن شرکای استراتژیک انرژی ارزشمندی می‌باشد که منافع ملی آن‌ها از طریق امنیت انرژی، با منافع ملی ایران پیوند خورده باشد. به همین دلیل، جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان و عقد قراردادهای بلندمدت عرضه انرژی با این کشورها، منافع قابل توجهی برای ایران دارد. زیرا کشورهایی که در پروژه‌های نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌نمایند؛ با توجه به اینکه حجم قابل توجهی سرمایه‌گذاری می‌نمایند و همچنین منافع حاصل از این سرمایه‌گذاری، امنیت و منافع ملی ایران را در پیوند با منافع ملی خود می‌بینند. نتیجه چنین امری، بالا رفتن قدرت چانه‌زنی ایران در برابر قدرت‌های تاثیرگذار در نظام جهانی می‌باشد. از سویی کشورهای چین و هند نیز با توجه به اهمیت دسترسی به عرضه

مطمئن منابع انرژی برای ادامه رشد اقتصادیشان، هر یک در صدد یافتن شرکای استراتژیک انرژی مطمئن و قابل اتکایی برای خود می‌باشند. (صفوی و مهدیان، ۱۳۸۹: ۴۰) همچنین با توجه به این نیازها، در چارچوب این رویکرد، ایران می‌تواند هم بعنوان تولیدکننده و هم در نقش ترانزیت کننده، به بازار اروپا نیز دسترسی پیدا کند. تعامل اقتصادی با اروپا، گذشته از سود فراوان، زمینه را برای انتقال تکنولوژی به کشور فراهم می‌سازد و وزن ایران را در بازار بعنوان تأمین کننده ای مطمئن برای اروپا افزایش می‌دهد.

بدین ترتیب، واضح است که ایران به عنوان بزرگ‌ترین دارنده مخازن نفت و گاز جهان باید تا کنون در ردیف کشورهای اصلی صادرکننده نفت و گاز قرار می‌گرفت اما مهم‌ترین عاملی که مانع چنین چیزی شده است، تحریم صنعت نفت و گاز ایران و در نتیجه منابع سرمایه گذاری ناکافی، در این بخش است. باید دانست که ایران سهم قابل توجهی از بازار نفت جهان را در اختیار دارد و حذف ایران از این بازار می‌تواند لطمات جبران ناپذیری را به اقتصاد ناپایدار جهانی وارد کند و کشورهای بزرگ آسیایی که به شدت به واردات نفت وابسته هستند تمایلی به قطع کامل واردات نفت از ایران ندارند.

با توجه به ظرفیت‌های ایران در حوزه نفت و گاز، کارشناسان معتقدند چشم پوشی از منابع فسیلی ایران موجب افزایش هزینه بر بازار انرژی جهان خواهد شد. در نتیجه می‌توان به این امر اذعان کرد که با توجه به حساسیت ناشی از تغییر فاصله میان عرضه و تقاضای نفت، به نظر نمی‌رسد که همزمان با رشد تقاضا برای نفت تلاش برای محدود نمودن توان تولید نفت ایران، از طریق تحریم نفتی، بتواند مورد حمایت بازار بین‌المللی نفت قرار گیرد. چرا که ایران در موقعیتی است که هیچ یک از واردکنندگان انرژی نمی‌توانند جایگاه کشورمان را نادیده بگیرند. البته نباید از نظر دور داشت که روابط و رقابت‌های سیاسی در تعیین نقش کشورها بویژه در عرصه‌های اقتصادی نقش اساسی را ایفا می‌کنند و کشورها با تکیه به ظرفیت‌های خود نمی‌توانند توقع موفقیت در صحنه تعامل بی‌المللی داشته باشند (klare, 2008, 12).

لذا ایران برای دست یافتن به روابط استراتژیک انرژی با کشورهای در سطح و جایگاه چین و هند، نیازمند اتخاذ دیپلماسی انرژی فعالی می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد که ایران فاقد یک استراتژی امنیت انرژی است و اینکه چه راهبردی برای انرژی باید در نظر گرفت و امنیت کشور در ارتباط با انرژی چگونه است و منافع ملی را به انرژی پیوند بزند، ضروری می‌باشد. اگر بتوانیم امنیت ملی و بقای ملی را به بخش انرژی پیوند بزنیم یک گام موفق برداشته‌ایم.

ژئوپلیتیک انرژی منحصربفرد ایران پتانسیل‌های زیادی را برای تأمین منافع ملی کشور و همچنین مرتفع نمودن دغدغه‌های امنیت انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی مانند چین و هند دارد. انرژی ایران از اصلی‌ترین منابع بالقوه قدرت اقتصادی می‌باشد و می‌تواند از طریق افزایش شرکای بزرگ اقتصادی مانند چین و هند، باعث کسب درآمد بیشتر و افزایش قدرت اقتصادی کشور گردد و با در نظر گرفتن اینکه دولت‌های قوی از حیث اقتصادی، از توان تاثیرگذاری بالاتری برخوردارند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۰۸). متغیر ژئوپلیتیک انرژی می‌تواند به صورت ایجابی باعث ارتقای وزن ژئوپلیتیک و در نتیجه تأمین منافع و امنیت ملی کشور بشود.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که عنوان شد، علیرغم تلاش‌های سیاست و رهبرد جدید آمریکا در موضوع حذف ایران از بازار انرژی جهانی، این موضوع عملاً امکان‌پذیر نیست. چرا که ایران با داشتن موقعیت منحصر به فرد و ذخایر انرژی خود حدود ۶ درصد از نیازهای انرژی جهان را تأمین می‌نماید و لذا کشورهای مهمی چون هند و چین وابستگی زیادی به منابع انرژی داشته و تلاش دارند با مذاکرات لازم با ایالات متحده، خود را از تحریم‌های نفتی ایران معاف نمایند. بنابراین، می‌توان دریافت که با توجه به افزایش تقاضا برای نفت و گاز در جهان، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از ظرفیت‌های تولیدی خود در دو حوزه نفت و گاز استفاده کرده و در جهت جذب هر چه بیشتر بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی تلاش نماید. اگرچه جمهوری اسلامی ایران با وجود برخورداری از موقعیت‌ها و نقاط قوت مناسب در عرصه بهره‌گیری از ابزار انرژی در جهت حضور مؤثر در معادلات بین‌الملل، هنوز نتوانسته است به جایگاه شایسته خود در این حوزه

دست یابد که این امر نتیجه فقدان یک دیپلماسی انرژی قوی و کارآمد می‌باشد. با نگاهی به آینده انرژی جهان و با تکیه بر پتانسیل‌های کشور در حوزه انرژی می‌توان دریافت که بازارهای مناسبی برای کشور در وضعیت کنونی وجود دارد، که در آینده نیز بر حجم و اهمیت این بازارها افزوده خواهد شد، اما با این حال حضور ایران در این بازارها مستلزم یک رقابت تنگاتنگ با کشورهایی، چون روسیه و قطر است، که از منابع مالی و امکانات مناسبی برای رقابت با ایران برخوردارند. دیپلماسی انرژی ایران، بایستی بتواند با توجه به موقعیت مناسب جغرافیایی ایران و نیاز فزاینده کشورهای جهان به انرژی، توجه آن‌ها را به سوی خود جلب نماید. بدین ترتیب که می‌توان از نیاز کشورهای دنیا به تنوع بخشی به مبادی واردات گاز خود استفاده کرده و با بهره‌گیری از بحران‌های موقتی بوجود آمده در روابط انرژی اروپا و روسیه و تدوین قوانین مناسب و ترغیب‌کننده، آن‌ها را به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران تشویق نمود، تا ایران نیز بتواند بخشی از نیاز این کشورها را برآورده سازد. در صورتی که ایران بتواند اروپا و شرق دور را از جهت تأمین پایدار گاز طبیعی خود مطمئن سازد، این سرمایه‌گذاری می‌تواند سبب ارتقای امنیت ملی ایران شده و حتی با بهره‌گیری از این موقعیت، می‌توان نیازهای تکنولوژیک کشور را برآورده کرد. لذا در چارچوب نظریه وابستگی متقابل نیز، در صورت تعامل و در هم تنیدگی بیشتر اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی، منافع و امنیت ملی دیگر کشورها در راستای منافع و امنیت ملی ایران قرار می‌گیرد و این مسئله باعث کاهش هزینه تحقق اقتصاد مقاومتی در داخل و همچنین باعث کاهش تهدید نقاط آسیب‌پذیر و استراتژیک کشور می‌شود.

منابع

افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران:

پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بزرگی، وحید و عابدین، محمدرضا. (۱۳۸۷). «چارچوبی برای بررسی و تدوین

دیپلماسی تجاری در دوران جهانی شدن و وابستگی متقابل»، *اطلاعات سیاسی*

اقتصادی، شماره ۲۴۸.

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۱). ژئوپولیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۸). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی. حیدری، محمد علی. (۱۳۸۶). «باکو و امنیت انرژی و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»،

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶

درخشان، مسعود. (۱۳۹۱). «نیاز ایران، عراق و روسیه به یک آپتک جدید»، اقتصاد انرژی، شماره ۱۵۰-۱۴۹.

درخشان، مسعود. (۱۳۹۱). «امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز»، راهبرد، شماره ۶۴.

رابرت جکسون و گئورگ سورنسون. (۱۳۸۵). درآمدی بر روابط بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

رحمتی پور، لیلا و آجیلی، هادی. (۱۳۹۵). «چشم انداز ژئوانرژی خلیج فارس و جایگاه ایران»، راهبرد، شماره ۷.

رستمی، قاسم. (۱۳۹۱). «ضریب ۳۵ درصدی یا انقلاب در برداشت نفت درجا»، اقتصاد انرژی، شماره ۱۵۰-۱۴۹.

سلیمی، حسین. (۱۳۸۶). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، چاپ دوم، تهران: سمت.

سهرابی، خدارحم. (۱۳۹۲). «نقش ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران در انتقال انرژی اتحادیه اروپا»، علوم سیاسی، شماره ۶۱

صفوی، سیدیحیی و مهدیان، حسین. (۱۳۸۹). «ژئوپولیتیک انرژی ایران و امنیت شرق آسیا (چین و هند)»، جغرافیای انسانی، شماره دوم

عادلی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷). نقش دیپلماسی نفتی در تحکیم امنیت ملی و بین‌المللی، تهران: موسسه مطالعات اقتصادی و بین‌المللی روند

عبداله خانی، علی. (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت، تهران: ابرار معاصر تهران

عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۷). «ژئواکونومیک قرن بیست و یکم جایگاه ایران»، *فصلنامه نگاه*، سال دوم، شماره دوم

قنبرلو، عبدالله. (۱۳۸۵). ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی - نظامی ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره چهارم.

کمپ، جفری و هارکاو، رابرت. (۱۳۷۳). *جغرافیای استراتژیک خاور میانه*، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی

کویانی راد، مراد. (۱۳۸۵). «ژئوپلیتیک انتقال گاز ایران به هند؛ فرصت‌ها و تهدیدها»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۳۱

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

نای، جوزف. (۱۳۹۰). *آینده قدرت*، مترجم: رضا مراد صحرایی، تهران: انتشارات حروفیه.

BP Energy Outlook, 2018

BP statistical review of world energy 2017

BP statistical review of world energy 2018

Brown, Seymon (1991). Trilateralism And The New World Order, **World Policy Journal**, Vol 8, No 2

Cordesman, Anthony H. (january 2013). the myth or reality of U.S energy independence, **center of Strategic international studies**, Available AT: <https://CSIS.org/files/publication/130103-USenergy-Independence-report.pdf>

http://wds.IEA.org/wds/ReportFolders/ReportFolders.aspx?CS_referer=&CS_ChosenLang=en2018

<Http://Www.IEA.Org/KeyWorldEnergyStatistics/Pdf.2017>

http://www.EIA.doe.gov/oiaf/ieo/pdf/ieoreftab_5.pdf

Keohan, Robert (1984). **After Hegemony: cooperation and Discordthe world political Economy**. Princeton, N.J: Princeton University press

Klare, Michael T. (2008). **The New Geopolitics of Energy**, available at: <https://www.thenation.com/article/new-geopolitics-energy/>

Whole Forth, W. (Summer 1999). "Stability of Unipolar World", **International Security**, 24 (1)